

نقد و بررسی کتاب شیرازنامه زرکوب شیرازی

پروانه شاهرخ مقدم^۱

زیبا غفوری^۲

چکیده

تاریخ‌های محلی یکی از مهمترین انواع تاریخنگاری می باشد که از نخستین قرون اسلامی و حتی قبل از ورود اسلام به ایران، در دوران باستان نیز مورد توجه بوده‌اند. در اینگونه کتب، اطلاعات جزئی و منحصر به فردی در باب منطقه جغرافیایی که موردنظر نویسندگان آنها می باشد، ارائه می‌شود. کتاب شیرازنامه اثر ابوالعباس معین الدین احمد زرکوب شیرازی در قرن هشتم هجری نگاشته شده و در حوزه تواریخ محلی جای دارد. شیرازنامه در دو بخش تنظیم شده است؛ بخش اول، حوادث سیاسی و نظامی رخ داده در حوزه شیراز و ایالت فارس را از نخستین سالهای ورود اسلام به ایران تا آغاز امارت امیر مبارزالدین بر شیراز ادامه می‌یابد و در بخش دوم به زندگی نامه علما و شیوخ شیراز پرداخته شده است.

در این مقاله کتاب شیرازنامه تجزیه و تحلیل و بررسی شده و مضامین، محتوا، شکل شناسی، سبک و شیوه نگارش کتاب مورد توجه واقع شده است. این مقاله به روش کتابخانه ای انجام شده است. کلید واژه: تاریخ نگاری محلی، شیراز، شیرازنامه، زرکوب.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه شیراز

۲ کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس

مقدمه

تاریخ نگاری محلی به طور مشخص، به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک محل (شهر، ایالت، ناحیه) اطلاق می‌گردد.

تاریخ‌های محلی اطلاعات گسترده و مفیدی در باب خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نیز مسائلی از قبیل فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، نوع اقتصاد، نحوه کسب قدرت و چگونگی دست به دست شدن آن و دیگر امور بسیار جزئی تر را مدنظر قرار داده و بدان می‌پردازد.

از دیرباز در ایران توجه به تاریخ‌های محلی مورد توجه بود اما به محض ضعف قدرت‌های مرکزی و شکل‌گیری قدرت‌های محلی که از نفوذ و سیطره چشمگیری نیز برخوردار بودند، تاریخ‌های محلی بیشتر از قبل مورد توجه واقع شدند. در دوران ایلخانان نیز که در نواحی جنوبی ایران، اتابکان قدرت را در دست داشتند و البته در اطاعت ایلخان مغول نیز بودند، تاریخ‌های محلی مورد توجه واقع شدند و کتب متعددی در این حیطه نگاشته شدند، که هر کدام در باب حوزه جغرافیایی خود از ارزش بسیار بالایی برخوردار می‌باشند. کتاب *شیرازنامه* ابن زرکوب نیز در عداد تواریخ محلی قرار می‌گیرد؛ این کتاب نیز در حوزه جغرافیای ایالت فارس نگاشته شده است و به وقایع و امور رخ داده در این ایالت طی سالهای موردنظر کتاب، به صورت جزئی می‌پردازد.

از آنجا که در طول تاریخ، فارس یکی از مناطق مهم و ارزنده در جغرافیای ایران محسوب می‌شد، حکومت‌های مختلف در گذشته برای بدست آوردن این ایالت، تلاشهای زیادی کرده و این منطقه و مردمش حوادث بیشماری را از سر گذراندند؛ بنابراین واکاوی تاریخ این منطقه جغرافیایی از پر اهمیت‌ترین ارکان، جهت روشن نمودن تاریخ این مرز و بوم می‌باشد. از این رو بررسی کتاب *شیرازنامه* که از تواریخ محلی مربوط به ایالت فارس می‌باشد ضرورت می‌یابد.

تاریخ نگاری محلی در ایران

برخی صاحب نظران آغاز تاریخ نگاری محلی در ایران را از دوران اسلامی می‌دانند (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۸۵-۱۸۳). نویسندگانی که درباره آغاز تاریخ نگاری در عصر اسلامی اظهار نظر کرده‌اند، سده سوم هجری به بعد را زمان نگارش اینگونه کتاب‌ها و آثار دانسته‌اند. از دیدگاه آنان پیش از سده سوم هجری زمینه‌های نگارش اینگونه آثار در قلمرو حکومت اسلامی شکل نگرفته بود؛ رشد شهرها، تمایل به تجزیه طلبی، شکل‌گیری احساس شهر - وطنی و تشویق حکمرانان سلسله‌های محلی و ... به عنوان انگیزه‌هایی برای آغاز تاریخ نگاری محلی معرفی شده‌اند (آژند، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

برخلاف این نظرات، باید افزود سابقه تاریخ نگاری محلی در ایران به پیش از اسلام و دوره ساسانیان باز می‌گردد. در تأیید این ادعا می‌توان به دو نوشته مختصر «شهرستان‌های ایرانشهر» و «عجایب سکستان» که از پایان دوران ساسانیان به یادگار مانده است استناد نمود (یارشاطر و دیگران، ۱۳۷۷: ۷۸۱).

تاریخ‌های محلی از آن جهت که حاوی اطلاعات منحصر بفرد، جزئی و معطوف به یک محل و منطقه جغرافیایی خاص هستند، اهمیت می‌یابند. از این رو در مقایسه با تاریخ‌های عمومی و سلسله‌ای، دارای اطلاعاتی دقیق‌تر، جزئی‌تر و مفصل‌تر در شرح شهر و دیاری خاص هستند. به همین جهت تواریخ محلی را باید در حکم پایه و ستونی که به کمک آنها می‌توان خیمه تاریخ عمومی را برافراشت، در نظر گرفت. به تعبیر دیگر، می‌توان تاریخ عمومی یک کشور را مانند جدولی دانست که خانه‌های آن را تاریخ‌های محلی می‌سازند.

ابن زرکوب شیرازی

کتاب *شیرازنامه* توسط ابوالعباس معین الدین احمد بن شهاب الدین ابی الخیر حمزه بن ابی الفضل حسن بن عزالدین مودود ذهبی مشهور به زرکوب بن ابی الفضل محمد بن معین الدین محمود اصفهانی در قرن هشتم هجری به نگاشته شد (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۱).

ابن زرکوب از مورخان، نویسندگان و شعرای قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری است. نزدیکترین منبع خبری که از مؤلف *شیرازنامه* شرحی دارد، کتاب "شدالازار فی حط الازوار عن زوار المزار" است که معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی آن را در سال ۷۹۱ قمری، یعنی کمی پس از مرگ زرکوب تألیف کرده است.

جنید شیرازی در باب شیخ عزالدین مودود جد سوم مؤلف *شیرازنامه* آورده است که وی اهل اصفهان بود. اما در مسیر بازگشت از بغداد در حدود سال ۶۳۰ هجری با دختر استاد خویش، شیخ روزبهان بقلی ازدواج کرد و در شیراز ماندگار شد و در سال ۶۶۳ در سن نود سالگی در شیراز دار فانی را وداع گفت (همانجا).

زرکوب نیز در کتاب *شیرازنامه*، خود را در اصل اصفهانی دانسته و نوشته است که جد سومش موسوم به عزالدین مودود (۶۶۳-۵۶۲) از اصفهان به شیراز آمد تا بتواند از محضر مشایخ بزرگ شیراز از جمله روزبهان بقلی بهره‌مند گردد، «... پدر او [عزالدین مودود] خواجه محمد بن معین به تاریخ سنه سبع و سبعین و خمسمائه او را به شیراز آورد، عهد سلطنت سلطان العارفین سعد بود...» سپس در ادامه ذکر می‌کند که به خدمت شیخ روزبهان درآمد و سی سال در خدمت او تعلیم دید (همان: ۱۶۳-۱۶۱).

تاریخ تولد ابن زرکوب به طور قطع مشخص نیست اما در کتاب *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس* آمده است که احمد بن ابی الخیر تقریباً ده الی دوازده سال قبل از سنه ۶۸۱ قمری متولد شده است و تا سال ۷۴۵ از او خبر در دست است و نیز اینکه چند سال پس از آن نیز زنده بوده است، بنابراین عمر تقریبی وی را در حدود نود سال ذکر نموده‌اند. بدین ترتیب باید تولد

وی را در حدود سال ۶۶۹ در نظر گرفت (رکن زاده آدمیت، ۱۳۳۷: ۱۰۳). قابل ذکر است جنید شیرازی تاریخ درگذشت زرکوب را ذی الحجه سال ۷۸۹ قمری نوشته است، با این حساب سن وی در هنگام مرگ در حدود صد و بیست سال بوده است؛ اما این امر با دیگر منابع که سن وی را نود سال ذکر نموده‌اند، تطابق ندارد.

کتاب اثر آفرینان، بر اساس کتاب‌های هزار مزار و تاریخ ادبیات در ایران نوشته‌ی ذبیح الله صفا، سال‌های حیات وی را ۶۷۰ تا ۷۵۸ قمری نگاشته است (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۹). بنابراین باید در نهایت اذعان نمود که در باب سال‌های عمر زرکوب اتحاد نظری در میان صاحب نظران وجود ندارد.

زرکوب از خاندانی اهل عرفان و تصوف بود. وی به دست دایی خود لباس تصوف پوشید؛ به نوشته جنید شیرازی در تذکره هزار مزار، سه نفر از اعضای خاندان زرکوب، و از جمله خود مؤلف به عنوان مشایخ و مشاهیر معرفی شده‌اند (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۵۹-۳۵۳).

زرکوب تحت نظارت عده‌ای از اساتید بزرگ زمان خود تعلیم و آموزش دید. که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

حاج رکن الدین منصور بن المظفر روزبهان متوفی ۷۴۰ هجری قسمتی از صحیح بخاری و از کتاب «مصباح» تا باب الترحل را در نزدش فرا گرفت و از او نیز اجازه یافت؛ ظهیرالدین عبدالرحمن علی بن بزغش متوفی ۷۱۴ هجری بخشی از کتاب عوارف سهروردی را در سنه ۷۱۳ نزد او خواند و از وی اجازت یافت؛ رکن الدین یونس بن محمد بن صفی متوفی ۷۱۷ قمری که کتاب «کنز الخفی» تألیف صفی الدین عثمان (جدش) و نیز کتاب «مصباح» را نزد وی خواند؛ نورالدین محمد خراسانی متوفی ۷۴۲، کتاب «الحاوی فی الفقه» را به سال ۷۲۰ در نزدش خوانده است؛ قطب الدین ابوسعید محمد سیرافی متوفی ۷۲۱ قمری، که کتب توضیح «کشاف» در تفسیر و «مفتاح العلوم» خوارزمی را نزد وی آموخت؛ تاج الدین محمد بن ابراهیم زنجانی متوفی حدود ۷۲۲ قمری، و کتب «منهاج و طوالع» تألیف قاضی ناصرالدین عبدالله بن

عمر را نزد وی خواند؛ امین محمد بن علی بن مسعود متوفی ۷۴۵، که در سال ۷۲۷ قمری از وی تلقین ذکر گرفت (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۲). و سر بر آستان آن عارف بزرگ سود و در طریقت پیرو پدراناش گردید و از آنجا که از قبل اجازه اجتهاد نیز یافته بود به سیر و سلوک پرداخته و خرقة از دست دایی خویش، حاج رکن الدین منصور بن مظفر بر تن نمود (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۹).

وی عالمی برجسته و شیخی دانشمند گردید و رسالات و کتبی نوشت و اجازت‌ها داد، از جمله جنید شیرازی از زرکوب اجازت یافته است (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۳). در باب مذهب زرکوب نیز باید افزود، وی با اینکه در باب امامزادگان مدفون در فارس با خلوص و خضوع فوق‌العاده ای سخن می‌گوید اما با این حال به نظر می‌رسد از اهل سنت بوده است (همان: ۱۳)، خصوصاً اینکه از خلیفه عمر، به عنوان امیرالمؤمنین یاد می‌کند. پس از کتاب ارزشمند ابن بلخی، دومین اثر موجود در تاریخ محلی فارس، شیرازنامه نوشته احمد بن زرکوب شیرازی است. این اثر برخلاف فارسنامه که مقدرات عمومی، تاریخی و جغرافیایی ایالت فارس را مورد توجه قرار داده، بیشتر در باب تاریخ شهر شیراز است. در واقع تألیف شیرازنامه آغاز شهری شدن تاریخ نگاری فارس است. عامل اصلی تألیف شیرازنامه را باید حب الوطن، رقابت و حتی سرمشق‌پذیری از تواریخ محلی شهر بغداد دانست (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۷۳). ابوالعباس کتاب شیرازنامه را در سال ۷۵۷ هجری به نام وزیر شیخ ابواسحاق اینجو تألیف کرد (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۲۴).

علت تألیف شیرازنامه

ابن زرکوب در صفحات آغازین کتاب خود در باب علت نگارش شیرازنامه آورده است که در سفری به بغداد در میان مجلسی از دوستان و هنرمندان و بزرگان آن شهر، به شرحی در باب هوای خوش شیراز، نزهت آب رکن آباد و دیگر خصوصیات این شیراز می‌پردازد اما از سوی

یکی از حاضران مورد تمسخر واقع شده و شیراز را غیرقابل مقایسه با بغداد می‌دانند و در این میان کتابی به نام بغدادنامه که تألیف یکی از حاضرین مجلس بوده است به وی نشان می‌دهند و بر آن تفاخر می‌کنند. این حادثه جرقه نگارش کتاب شیرازنامه را در ذهن این زرکوب روشن می‌سازد (همان: ۶-۵)

بدین ترتیب پس از مراجعت به شیراز، به گفته‌ی مؤلف «جمعی از ملازمان صحبت به شوافع اقتراح، التماس نمودند که در فضیلت دارالملک شیراز هم بر آن منوال کتابی تألیف می‌باید کردن که مشتمل باشد به ذکر خصوصیات شهر شیراز و طبقات سلاطین آن مملکت و مشحون به شرح مزایا [ی] ایمه و افاضل و مشایخ این دیار ...»؛ پس کتاب مذکور را به زیور طبع آراست و در آغاز کتابش ابتدا فصلی با عنوان «شرح مزیت و فضیلت محروسه شیراز» و سپس فصلی با عنوان «ذکر آب رکن رکناباد و خصوصیات او» نگاشت و فضایل شهر محبوب خود را نوشت (همان: ۱۳-۱۲).

البته ناگفته نماند که به نوشته خود مؤلف، وی کتابی را که یک از اهالی همدان در باب بغداد نوشته بود را سرمشق خود در نگارش شیرازنامه قرار داده است (همان: ۱۱).

محتوا و مضمون کتاب شیرازنامه

بخش اول پس از دیباچه‌ای ادیبانه در باب اوصاف شیراز و سبب تألیف کتاب، در دو فصل به نقل روایاتی در فضایل فارس و فارسیان و تقسیمات و مزایای جغرافیایی فارس و چگونگی احداث شیراز پرداخته شده است. سپس اوضاع سیاسی منطقه از عصر عمادالدوله بویه تا هنگام «نزول حضرت سلطان دین‌پرور» یعنی امیر مبارزالدین محمد به شهر شیراز در هفت طبقه به شرح زیر توضیح داده شده است:

طبقه اول، در ذکر آل بویه و شرح مملکت دیالمه تا به انتها امارت ملک اعظم سعید شرف‌الدین محمود شاه در هفت طبقه که شامل: طبقه اول در ذکر سلطنت آل بویه و شرح

جهانداری عضدالدوله در شیراز و ممالک فارس و آثار و اعمالی که از در این شهر هنوز بازمانده است؛ طبقه دوم در ذکر سلطنت آل سلجوق، از زمان اتابک چاولی و ذکر آثاری که از او در شیراز به جا مانده است؛ طبقه سوم، در ذکر سلطنت آل سلغر از آغاز قدرت یابی مودود تا دوران آتش خاتون و شرح معدلت اتابک ابوبکر بن سعد؛ طبقه چهارم، در ذکر امرا و شحنگان مغول و ذکر امارت سونجاق و ذکر دوران امیر عمادالدین ابوتراب و تبدیل احوال وزرا و ملوک شیراز تا پایان حکومت آنها؛ طبقه پنجم در ذکر سلطنت محمود شاه و فرزندان او و شرح حملات پیر حسین و ملک اشرف؛ طبقه ششم در ذکر امیر جمالالدین ابواسحاق اینجو و حوالت رخ داده در عصر وی، طبقه هفتم، در ذکر ایام سلطنت امیر مبارزالدین محمد بن مظفر. نیمه دوم کتاب متضمن ذکر مشایخ و علمای و اکابر شهر شیراز و شرح اشراف و اعیان فارس و تاریخ وفات و مدفن آنان و مزارات اولیا دین که در اقصی نقاط ولایت بزرگ فارس واقع است، مطالب این بخش نیز در هفت طبقه به قرار زیر تنظیم شده است:

طبقه اول در ذکر ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی و تنی چند از معاصران او که محل تولد و منشأ آنان شیراز بوده است؛ طبقه دوم در ذکر احوالات عارف بزرگ ابواسحق ابراهیم بن شهریار کازرونی و معاصران او در شیراز و دیگر نواحی؛ طبقه سوم در ذکر احوال صوفی بزرگ ابوشجاع محمد بن سعدان مقاریضی و حدث بزرگ ابی عبدالله الحریصی و تنی چند از شیوخ و علمای بزرگ قرن ششم شیراز؛ طبقه چهارم در ذکر احوالات روزبهان بقلی شیرازی و مودود زرکوب و امام المحدثین ابی ذرالکثکی و چند تن از دانشمندانی که قریب به این عصر می زیسته اند؛ طبقه پنجم در ذکر صوفی بزرگ نجیب الدین علی بن بزغش و فقیه حسین بن سلمان الکوفجانی و چند تن از مشایخ معاصر وی؛ طبقه ششم در ذکر عده ای بزرگان فارس که نویسنده به محضر و مصاحبت ایشان رسیده است؛ طبقه هفتم در ذکر جماعتی که از کتاب مشایخ حدیث که مؤلف این کتاب به طریق اسناد از آنان حدیث روایت نموده و نیز عده ای از بزرگان که نویسنده به حضور آنان رسیده است.

بخش واپسین کتاب یعنی خاتم‌الکتاب نیز در دو فصل ارائه گردیده است: فصل اول، در ذکر طبقات سادات عظام شیراز و طایفه‌ای از اهل بیت نبوت و خاندان ائمه اطهار که تربت و مرقد آنان در خاک شیراز واقع شده است؛ فصل دوم در ذکر طبقات مشایخ و مشاهیر که مدفن آنان در شیراز است ولی زرکوب نتوانسته بود دربارهٔ آنان اخباری کسب کند.

مقدمه کتاب شیرازنامه

زرکوب در فصل دوم از مقدمه کتابش به این مسائل پرداخته است. بخش نخست کتاب همانگونه که مشخصه تمامی کتب تاریخ محلی است، ضمن مدح و ستایش خداوند، نخست به شرح اوضاع و احوال جغرافیای فارس و خصوصیات مناطق و اطراف و اکناف این منطقه پرداخته شده و در ادامه در باب محاسن و مزیت‌های فارس و خصوصاً شهر شیراز و از نقاط برجسته و برتری‌های آن و نیز در باب تفاوت‌های این ناحیه با دیگر نواحی سخن می‌گوید.

در باب فضایل و مزایای شهر شیراز چنان شرح می‌دهد که گویی در باب بهشت و سرزمینی ماورایی سخن می‌گوید: «خطه‌ای که از هفت اقلیم ربع مسکون، همچون فصل ربیع از چهار فصل، به لطف مزاج و اعتدال هوا بر سر آمده ... هوای اهواء انگیزش مفرح جان علیل هر غلیل، خاک پاکش تریاک طبع هر لدیغ، شمایل شمالش محرک سلسله آرزوی عاشقان ... آثار زهت گلزارش بر نعیم بهشت باقی منت نهاده و چرخ نیلوفری به تماشای باغ بنفشه او چشم بر گشاده، غیرت اعتدال ربیعی که فلک راهب آسا، خزان به تماشای بهار او به زمین می‌آید ...» (همان: ۸).

مبحث بعد در باب نام فارس و منشاء آن آمده است. نویسنده در ذکر وجه تسمیه نام شهر ولایت فارس، آن را از نام «فارس بن فهلو بن سام بن نوح» مأخوذ می‌داند، «بدان که فارس بن فهلو بن سام بن نوح علیه السلام در آن عهد مالک این مرز و بوم بوده، و فارس به نام او اشتها یافته و لغت فهلوی از زبان فهلو پدر فارس مشهور و مستفیض گشته و در فضیلت اقلیم فارس

این حدیث از حضرت رسالت روایت کرده اند: ان الله تعالی خیر من خلقه صنفین من العرب قریشا و من العجم فارس».

در ذکر حدود ایالت فارس نیز آورده است که از شمال به ولایت اصفهان و حدود ابرقو و از جانب جنوبی به کنار دریا تا به حدود کرمان و سمت شرق به جانب کرمان تا سیرجان و جانب غربی به سمت خوزستان و ارجان می‌باشد. در ادامه با تقسیم بندی فارس به چهار کوره که در عصر باستان بدان تقسیم شده بود، به ذکر اطلاعاتی در باب حدود و خصوصیات هر منطقه و کوره می‌پردازد (همان: ۲۴-۲۲).

آنچه که جالب توجه می‌باشد، ذکر مورخ از آثار تاریخی ایالت فارس از جمله آثار نقوش برجسته در نقش رستم، تخت جمشید، شهر بیشاپور و مجسمه شاپور در کوره شاپور است (همان: ۲۸-۲۵).

زرکوب علاوه بر آنکه از نیکویی و آبادانی وضع فارس و شیراز در عهد دیالمه سخن می‌گوید، از وخامت شرایط در پایان عهد مذکور نیز سخن به میان می‌آورد. در همین باب، به اختصار شرحی از خراج فارس و کرمان و عمان از عهد نوشروان تا زمان دیالمه ارائه و ادامه می‌دهد در عصر دیلمیان به جهت آشوب و فتنه روزافزون اوضاع رو به خرابی نهاد و نظم و قاعده مملکت از میان رفت؛ سپس از نظام اقطاع داری سخن می‌گوید و از آن انتقاد کرده و آن را سبب ویرانی اوضاع مملکت معرفی می‌کند (همان: ۴۵).

در ذکر تأسیس شهر شیراز

زرکوب در ذکر ایجاد شهر شیراز داستانی افسانه‌وار آورده است که خالی از اغراق نیست؛ وی بنای این شهر را به محمد بن یوسف^۱ نسبت داده و می‌گوید، در زمان حکمرانی محمد بن

۱- وی را برادر حجاج بن یوسف ثقفی گفته اند. در زمان خلافت عبدالملک مروان، حجاج امور عراق را عهده دار بود و فارس نیز جز آن حوزه محسوب می‌شد. حجاج برادر خود محمد بن یوسف را در این زمان بر امور فارس گماشت (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۴۳).

یوسف براساس رؤیایی که وی دیده بود، نسبت به بنای شهر شیراز اقدام می‌گردد: «... گفتندی در عهد جمشید صومعه‌ای در این زمین [شیراز] بوده، ... در آن وقت دارالمملکه و سریرالسلطنه شهر اصطخر بود؛ تا به دور خلافت و ایالت محمد بن یوسف ... راویان ... روایت کرده‌اند ... محمد بن یوسف بانی شهر شیراز شبی در خواب شد، ... دید که روشنان صومعه فلک از آسمان به زمین آمدند، و در این قطعه زمین جمع گشتند و می‌گفتند که: این قطعه دایره‌ای است که قدمگاه چندین هزار صوفی خواهد بود. گوشه‌ای است که توشه مسافران عالم غیب از آنجا مرتب خواهد گشت ... محمد یوسف استادان مهندس و مهندسان مؤسس را حکم فرمود تا قاعده مملکت شیراز هم بدان رقعہ اساس نهادند و به مدت دو سال خطه شیراز تمام گشت» (همان: ۳۵-۳۴).

علاوه بر این ذکری طولانی در باب نزهت آب و هوای شیراز و نیز در باب آب رکن‌آباد و فهندژ و دیگر ارکان شهر ارائه می‌گردد و همه جا شیراز را به بهشت مثال زده و از عظمت و لطافت و نزهت و خوشی آب و هوا و دل‌انگیزی شهرش سخن می‌گوید (همان: ۴۲-۳۵).

بخش اول

در ادامه، طی هفت طبقه از فصل نخست به ارائه تاریخ سیاسی فارس از آل بویه تا دوران سلطنت امیرمبارزالدین محمد بن مظفر می‌پردازد.

در نخستین فصل ابتدا به ارائه مختصری از تاریخ فارس از آغازین دوران اسلامی می‌پردازد و از عهد امارت خلفای اموی، عبدالملک بن مروان و امارات محمد بن یوسف برادر حجاج ثقفی بر فارس آغاز می‌کند. سپس از امارت عمر بن عبدالعزیز نام برده و پس از آن از حکمرانی عمرولیث صفاری و بنای مسجد عتیق در عهد وی به عنوان نخستین مسجد جامع سخن می‌گوید (همان: ۴۳).

سپس به تاریخ فارس در عهد دیالمه می پردازد؛ وی از دیالمه و عضد الدوله به نیکویی یاد کرده و آورده است در عهد ایشان شیراز آباد و پرآوازه بود و شهر در نهایت رفاه و معموریت بود (همان: ۴۴).

در ذکر ایام سلطنت و حکمرانی عضدالدوله بر فارس، از آثار و ابنیه‌ای که وی در عهد خود در شیراز و دیگر نواحی فارس بنا نمود، صحبت به میان می آورد و از سد کر، حوضچه آب آشامیدنی در قلعه استخر، «دارالشفای عضدی» در شیراز، «گنبد عضدی» نزدیک به مصلی شیراز و نیز شهر «فنا خسرو کرد» در جهت قبله شیراز نام برده می شود (همان: ۵۱-۵۰).

سپس از دوران حکمرانی و حوادث و وقایع رخ داده در عصر دیگر سلاطین و حکمرانان خاندان بویه بر فارس شیراز که تقریباً همگی از فرزندان و نوادگان عضدالدوله هستند، سخن به میان می آورد.

طبقه دوم در باب امارت آل سلجوق بر فارس و شیراز است. ابتدا شرحی مختصر از خاندان سلجوق قبل از امارت و سپس از نحوه قدرت یابی آن‌ها و چگونگی تسلط یافتن بر فارس و شیراز، سخن می گوید (همان: ۶۲)، در این میان ذکری نیز از خروج شبانکاره گان در فارس می گوید.

مطالبی که نویسنده در ذکر سلاجقه به نگارش در آورده است از کتاب *فارسنامه* ابن بلخی وام گرفته شده است (ابن بلخی، ۱۳۶۲: ۶۷-۶۴).

علاوه بر مطالب مذکور در باب آثار و ابنیه‌ای که ایشان در این ایالت بنا نمودند و نیز حوادث و وقایع رخ داده مقارن عهد ایشان سخن گفته می شود.

نویسنده کتاب *شیرازنامه* ضمن توضیح حوادث رخ داده در عصر امرایی که در بالا نام آن‌ها ذکر گردید، در باب آثار و ابنیه عام‌المنفعه و اعمال نیکویی که هر یک از این حکمرانان در شیراز و ایالات فارس پی افکندند، توضیحاتی ارائه داده است و از ابنیه و پل‌ها و مدارس و بیمارستان‌ها و دیگر ابنیه‌ای نام می برد که امروز اثری از آنها وجود ندارد و از همین باب

توضیحات مؤلف قابل توجه می‌باشد. از جمله ذکر می‌کند که چاولی سقاو، سدی بر کربال زیرین ساخت و بندی که از قدیم الایام در رامجرد بود و در آن هنگام خراب شده و موجب ویرانی آن مناطق گردیده بود را تعمیر کرد؛ و نیز اتابک قراجه در شیراز مدرسه ای به نام قراجه ساخت و باغ‌ها و بساتین برای آن وقف نمود؛ همچنین ذکر می‌کند که در عهد حکومت سیزده ساله منکوبرس بر فارس چندین مدرسه در شیراز ساخته شده از جمله مدرسه لالا که توسط ابونصر لالا بنا گردید و نیز منکوبرس مدرسه‌ای دیگر بنا نمود و هر دو مدرسه جایگاه تحصیل طالبان علم و فقها و ایمه دین گردید؛ در عهد امارت بوزابه نیز، همسرش زاهده خاتون که بانویی صاحب حشمت و با تدبیر بود از مردان گوی دولت برده بود، منشأ آثار و اعمالی خیر و عام‌المنفعه در شیراز گردید از جمله مدرسه بسیار زیبا و عالی ساخت. «در شیراز مدرسه عالیه ساخته که در آن عهد متکلف تر از آن بقعه و بزرگ تر از آن در مجموع فارس نشان نمی‌دادند. درگاهی مرتفع به اوج چرخ برکشیده، و بر آن درگاه مناری بلند بنا کرده، و از منار خراب گشته و بر آن مدرسه موقوفات بسیار تعیین کرده» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۶۷-۶۴).

علاوه بر آنچه که در بالا بدان پرداخته شد، در دوران تاج‌الدین وزیر به عهد سلطان ملکشاه، مدرسه تاجی توسط این وزیر بزرگ و برجسته ساخته شد (همان: ۷۰).

سپس طبقه سوم در شرح سلطنت آل سلغر در سنه تسع و ثلثین و خمسمائه آغاز می‌گردد. زرکوب در باب آل سلغر، منشاء آنان و طریقه قدرت‌یابی آنها از آغاز تا هنگامی که بر فارس مستولی گشتند، شرحی مختصر ارائه داده و در ادامه اسامی حکمرانان این دوده و حوادث و وقایع این دوران را به قلم آورده و به ذکر امور و جنگ‌ها و ماجراهای این عهد پرداخته است.

آنچه جالب توجه است، پرداختن اتابکان این سلسله به امر تعلیم و تربیت و ساخت مدارس است، تقریباً تمامی اتابکان مذکور به امر ساخت مدرسه و مسجد و دیگر ابنیه عام‌المنفعه توجه ویژه داشته و در زمان هر کدام تعدادی ساخته شده است که تا عهد زرکوب

برخی از آنان بر جا بوده و مورخ آنها را به چشم خود دیده است و در باب آنها سخن می‌گوید و ویژگی‌های آنها را برمی‌شمرد، از این جهت کتاب *شیرازنامه* کتابی ارزشمند است.

بطور مثال در عهد اتابک سنقر، مدرسه و مسجد و مناره و سقاخانه‌ای ساخته شد که همگی به «سنقریه» مشهور و معروف بوده و از جهت معماری در نوع خود بی‌نظیر بوده‌اند، اتابک زنگی بن مودود نیز بر تربت شیخ بزرگ «ابن خفیف شیرازی» مرقدی شایسته بساخت، امین‌الدین کازرونی وزیر بزرگ و خردمند اتابک تکلہ در کنار مسجد عتیق، مدرسه و رباطی نیکو بساخت که تا زمان نگارنده‌ی کتاب *شیرازنامه* بر جا بوده است، در عصر اتابک سعد بن زنگی نیز ابنیه زیادی ساخته شد از جمله مسجد نو در شیراز که در زمان خود بزرگ‌ترین مسجد در اطراف و اکناف ولایات فارس و بغداد و عراق بود (همان: ۸۵-۷۲).

طبقه چهارم به ذکر امرا مغول در مسند حکومت شیراز پس از مرگ آتش خاتون آخرین اتابک سلغری پرداخته است. مورخ در این باب نیز به ذکر شرحی مفید در باب حکمرانی مغولان بر فارس و شیراز پرداخته و در باب حوادث سیاسی و جنگ‌های این عصر سخن می‌گوید. زرکوب در آغاز ورود شحنگان مغول به فارس از عدالت و نظمی که آنها بر امور جاری نمودند سخن می‌گوید و ادامه می‌دهد که آنها بنیان ظلم و جور را برکنند و مردم هواخواه آنها شدند. وی در باب امارت سونجاق در سنه سبعین و ستمائه آورده است: «... در امور ملک و دین نظمی پدید آورد»؛ و نیز در باب امارت سوغونجاق کرت دوم در سنه ثمان و سبعین و ستمائه بر شیراز چنین آورده است: «... در آن سال اتفاقاً امساک باران بود، و خلاق شیراز عظیم مضطرب بودند و به قدوم او حق سبحانه تعالی باران بفرستاد ... و او بنیاد معدلتی نهاده، بیخ جور و ظلم به کلیه بر کند ...» (همان: ۹۲-۹۱).

طبقه پنجم نیز به اوضاع و احوال شیراز در عهد شرف‌الدین محمودشاه و اولاد وی پرداخته است. مورخ آورده است که وی بر فارس و اطراف و اکناف وی پس از آخرین حکمران مغول، در عهد ایلخان اولجایتو مستولی گردید و دست ظلم ترک و تاجیک را از

فارس کوتاه و خود اینجو^۱ بر فارس گردید و هر از مدتی فردی را به عنوان نایب خود بر امور این ایالت بزرگ می‌فرستاد. در همین عهد است که کردوجین دختر اتابک آبخ بنت سعد به راه باسقاقی و نظم شتات ملک به شیراز فرستاده می‌شود. وی در شیراز باغها و عماراتی بساخت از جمله باغی که تا عصر نگارش کتاب شیرازنامه به جا بود و به «باغ طغایی» شهره بود. علاوه بر این مدرسه ای به نام «مدرسه کردوجین» در شیراز ساخت. پس از مرگ کردوجین، سلطان خاتون خواهرزاده وی، به همراه همسرش قره محمد به امور شیراز و اطراف و اکناف آن گماشته شدند (همان: ۱۰۴).

طبقه ششم به حوادث عصر امیر ابواسحق بن محمودشاه تعلق دارد. نویسنده شیرازنامه در ابتدای این طبقه به کتاب دیگرش با نام «تاریخ نامه» اشاره دارد که در باب حوادث عصر ابواسحاق بطور کامل و مفصل نگاشته شده است (همان: ۱۰۸). سپس به ادامه درگیرها و جنگ‌های امرای آل چوپان که در شمال عراق عرب حکومت داشتند با امرای اینجو در فارس پرداخته است.

در طبقه هفتم نیز حوادث و وقایع عصر امیر مبارزالدین ذکر گردیده است. زرکوب شرحی طولانی از جلوس و قدرت یابی امیر مبارزالدین بر فارس آورده است و به اغراق و اطناب به تملق از او پرداخته است و او را موجب نظم و آرامش و برپایی دین و اسلام در فارس معرفی می‌کند. آورده است که قبل از ورود وی در شیراز دین بر باد رفته بود و اصول مذهب بر فنا رفته بود، اما وی با قدوم خود امور را بر نظم روا نمود و مملکت را به روال مناسب درآورد (همان: ۱۲۲-۱۲۱).

همانگونه که ملاحظه شد، بخش نخست کتاب به ارائه تاریخ سیاسی، نظامی، لشکرکشی‌ها، جنگ‌ها، حکام و شاهان پرداخته و در باب آثار و ابنیه ساخته شده در هر دوره ذکری به میان آمده است و همین مورد، موجب برجستگی و اهمیت ویژه این کتاب شده است.

۱- مأمور نظارت گردآوری مالیات در ایالات در عصر ایلخانان.

بخش دوم

سپس بخش دوم کتاب در هفت طبقه به «ذکر مشایخ و علما و اعیان و ایمه شیراز» می‌پردازد. این بخش در واقع تذکره مشاهیر و مشایخ صوفیه و علمای معروف شیراز است و نکاتی ارزنده و گاه نادر در باب تحصیلات، استادان، تألیفات، تولد و مرگ، منشاء و ولادت، تاریخ وفات و حتی مدفن آنان بیان می‌گردد. و در هفت طبقه اطلاعاتی بصورت مختصر اما مفید در احوال و آثار هشتاد و چهار نفر از علما، عرفا، شیوخ، زهاد و محدثان سرزمینش پرداخته است.

مؤلف در آغاز بخش دوم قبل از ورود به مطلب آورده است، شیوخ و علما و بزرگان شیراز چندین برابر نسبت به آنچه در این کتاب ذکر آنها می‌رود، می‌باشند و به عنوان شاهد آورده است که در فلان کتاب دویست نفر ذکر شده‌اند، اما به جهت ضیق وقت و ملال آور شدن بحث تنها به ذکر برخی پرداخته خواهد شد سپس آغاز به بحث می‌کند (همان: ۱۲۵).

طبقه اول را در ذکر ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی و معاصران وی آغاز می‌کند. ابتدا به احوال، تراجم و کتب ابن خفیف پرداخته و چهارده کتاب از وی نام برده و از بزرگی و کرامات وی سخن می‌گوید (همان: ۱۲۷-۱۲۶). سپس به شرح احوال معاصران وی می‌پردازد.

طبقه دوم به شیخ مرشد ابواسحق ابراهیم بن شهریار الکاظمی و عده‌ای از شیوخ، بزرگان و علمای معاصر وی پرداخته می‌شود. ابتدا به اختصار شرحی از نسبش ارائه و از محبوبیت وی در میان اهل کازرون سخن می‌گوید زیرا شیخ را از اولیا و اکابر عرفا می‌دانستند؛ وی در سفرهایش به اطراف و اکناف، شصت و چهار خانقاه ساخت و بر هر یک درویشی نصب نمود تا به انتشار اسلام همت گمارند. گفته می‌شود که بیست و چهار هزار نفر از زردشتیان و یهودیان اهل کازرون و نواحی فارس به دست وی به اسلام گروید (همان: ۱۴۶-۱۴۵).

طبقه سوم در ذکر شیخ الامام المحقق، کاشف الحقایق ابوالشجاع محمد بن سعدان المقاریضی و معاصران وی می‌باشد. مقاریضی از صوفیان برجسته و عرفای قرن ششم هجری بود. وی در دیگر علوم و فنون نیز از سرآمدان عصر خود بود. به گفته زرکوب کتب متعددی

داشت که از جمله می‌توان به «مشيخه مقاریضی» اشاره کرد (همان: ۱۵۴). قابل ذکر است کتاب مقاریضی از منابع مهم و اساسی زرکوب در نگارش کتاب شیرازنامه می‌باشد. سپس در ادامه به صورت مختصر به احوال و آثار یازده نفر از شیوخ و علمایی که معاصر با مقاریضی زیسته‌اند، می‌پردازد.

طبقه چهارم به شرح احوال سلطان العارفين، قطب المحققين، ابومحمد روزبهان بن ابی نصر البقلی الفسوی و معاصران وی تعلق دارد. روزبهان بقلی از بزرگان عرفا و زهاد و شیوخ در قرن ششم و هفتم هجری بود. وی در حدود سی کتاب و رساله در علوم مختلف و حوزه تخصص خود داشت که در سراسر دنیای اسلام منتشر گردیده و موجب آوازه و محبوبیت وی گردیده بود به گونه‌ای که خاندان زرکوب به جهت فیض بردن از محضر درس وی به شیراز نقل مکان نمودند (همان: ۱۶۰-۱۵۹).

طبقه پنجم در ذکر جمعی از اصحاب حدیث که معاصر با دانشمندان طبقه چهارم بوده‌اند، به نگارش درآمده است.

طبقه ششم، در ذکر نجیب‌الدین علی بن بُزْغَش شیرازی و مشایخ معاصر او است. وی از شیوخ، عرفا و متصوفه بزرگ و صاحب کتاب «عوارف المعارف» در عرفان و تصوف است. طالبان علم و معرفت از اطراف و اکناف به سوی او روان و در نهایت آوازه و شهرت به سر می‌برد. پس از مرگش ملک خاتون دختر شرف الدین محمودشاه بر مرقدش گنبدی عالی و مدرسه‌ای بنا نمود (همان: ۱۷۸-۱۷۶).

طبقه هفتم در ذکر طایفه‌ای از اعیان ایمه و اکابر و شیوخ نامبردار شیراز که زرکوب به خدمت آنها مشرف شده است. که حاجی رکن الدین منصور بن المظفر بن محمد بن مظفر بن روزبهان یکی از آنها می‌باشد که در فصل پنجم کتاب در باب خاندان وی ذکری آمده است. وی از اساتید زرکوب بوده و از وی اجازت یافته است (همان: ۱۹۰).

پس از پایان طبقه آخر از فصل دوم، بخش پایانی با عنوان «خاتمه الکتاب» مشتمل بر دو فصل است. فصل نخست «در ذکر طبقات سادات عظام و طایفه‌ای از اهل بیت نبوت ... که به مرقد مبارک و مقدم متبرک ایشان، زمین شیراز مطیب و مشرف گشته» (همان: ۱۹۶).

فصل اول از احمد بن موسی (ع) نسب و خاندان مبارکش سخن رفته است و پس از آن در باب پیدا شدن قبر ایشان سخن گفته و در ادامه در باب چگونگی ساخت بارگاه و مرقد برای ایشان در عهد اتابک ابوبکر بن سعد توسط امیر مقرب الدین مسعود بن بدر از نزدیکان اتابک ابوبکر شرح داده می‌شود (همان: ۱۹۶-۱۹۹).

در ادامه در باب دوازده نفر از سادات و بزرگان مدفون در شیراز پرداخته شده است. فصل دوم در ذکر هشت نفر از مشایخ و مشاهیری است که در افواه عام شهرت دارد مدفن آنان در شیراز است اما زرکوب موفق به کسب اطلاعات درباره آنان نشده است.

منابع اطلاعاتی مورخ

همانطور که بدان پرداخته شد کتاب *شیرازنامه* از دو بخش مجزا تشکیل شده است، بخش تاریخی و بخش تذکره‌ای.

منابع زرکوب در نگارش بخش تاریخی کتاب *شیرازنامه*، سه کتاب است که از هر یک به فراخور دوره مورد بحث استفاده شده است اما اشاره‌ای به نام این کتاب‌ها نمی‌شود. *فارسنامه* ابن بلخی در زمان ابوشجاع محمد بن ملک‌شاه در ابتدای قرن ششم هجری نگاشته شده و خصوصیات جغرافیایی این ایالت را به قلم آورده است. زرکوب از این کتاب استفاده بسیار برده است (همان: بیست).

تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار اثر وصاف الحضرة که بعداً به تاریخ وصاف معروف شد در ابتدای قرن ششم هجری تألیف گردید. این کتاب، اثری جامع و منحصر بفرد در نوع خود می‌باشد که در نگارش *شیرازنامه* مورد استفاده زرکوب قرار گرفته شده است (همانجا). علی

اکبر دهخدا نیز بدین امر تصریح نموده است که قسمت عمده‌ای از حوادث تاریخی موجود در کتاب شیرازنامه ابن زرکوب از کتاب وصاف به وام گرفته شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱۱۲). اما زرکوب در کتابش هیچ اشاره‌ای به کتاب وصاف ننموده است.

تاریخ عتبی اثر محمد بن عبدالجبار العتبی که در قرن پنجم هجری نگاشته شده است نیز بطور محدود در مورد حوادث سیاسی قرون ابتدایی اسلام تا آغاز قرن پنجم هجری مورد استفاده زرکوب واقع شده است (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: بیست و یک).

در نگارش قسمت تذکره‌ای شیرازنامه نیز منابع زیر مورد استفاده زرکوب قرار گرفته‌اند: مشیخه مقاریضی که در بخش دوم مورد استفاده قرار گرفته شده و برخلاف منابع مورد استفاده در بخش نخست کتاب، بطور مکرر از آن نام برده می‌شود (همانجا)؛ از آنجا که این کتاب از میان رفته است و امروز در دسترس نیست بنابراین کتاب زرکوب که از مشیخه مقاریضی بطور مکرر استفاده نموده است، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

مشیخه دیلمی اثر شیخ ابوالحسن علی دیلمی از بزرگان قرن چهارم هجری از دیگر آثار مورد استفاده زرکوب در بخش دوم کتاب است (همانجا).

طبقات الصوفیه اثر ابو عبدالله السلمی (قرن چهارم قمری) اثر دیگری است که در نگارش بخش تذکره‌ای کتاب شیرازنامه مورد استفاده واقع شده است (همانجا).

علاوه بر آنچه ذکر گردید، حوادث رخ داده در سالهای معاصر زندگی زرکوب، به قلم خود مورخ نگارش شده است. از همین رو کتاب شیرازنامه از جهت حوادث نیمه نخست قرن هشتم هجری در شیراز، بدیع و نو می‌باشد.

نثر کتاب شیرازنامه

در قرن هفتم و هشتم هجری به سبب حمله مغولان به ایران و قطع ارتباط با بغداد به تدریج از نفوذ الفاظ عربی کاسته شد، علاوه بر این با کاهش سیطره و نفوذ علمای مذهبی که بر کاربرد

الفاظ عربی و نثر مصنوع تأکید داشتند، نیز استفاده از اینگونه لغات کمتر شد، از این رو نثر فارسی به سمت سادگی گام برداشت. از سوی دیگر با حمله‌ی مغول و برچیده شدن دربارهای حامی شعر و ادب فارسی، شعرا و نویسندگان در جستجوی جایگاهی جهت ادامه حیات به دربارهای کوچک و محلی روی آوردند و این امر از یک سو در ایجاد تواریخ محلی از جمله کتاب شیراز نامه به شدت مؤثر بود و از سوی دیگر در ایجاد سادگی و روانی نثر کتاب‌ها نیز تأثیر عمده داشت.

اگرچه همچنان نثر مصنوع، نثر غالب این دوره ماند اما تعدادی کتاب‌های تاریخی، علمی و گاه قصه‌ها و حکایت‌ها و رمان‌ها به نثر مرسل نوشته شدند. تألیفات متعددی که در زمینه تاریخ‌های عمومی و سلسله‌ای و اینگونه موارد صورت گرفت به رواج نثر فارسی مرسل در این دوره یاری بسیار کرد.

نثر مرسل یا ساده نوشته‌ای است که از صنایع لفظی و معنوی و سجع عاری باشد. در این نوع از نثر، نویسنده مقاصد خود را در کمال سادگی و بی‌پیرایگی می‌نویسد و از استعمال کلمات و عبارات هماهنگ و واژه‌ها و اصطلاحات مهجور اجتناب می‌کند.

شیرازنامه دارای نثری ساده و مرسل بوده و در آن پیچیدگی و مغلق‌گویی دیده نمی‌شود. تنها در مواردی بسیار اندک، که در ذکر القاب حکام و نیز در جایی که از نزاهت و لطافت آب و هوای شیراز و خطه محبوبش سخن می‌گوید، اندک سجعی به کار برده است که البته آن مقدار نیز به زیبایی سخن، مدد رسانده است تا اینکه سبب مغلق‌گویی و پیچیدگی گردد. نثر شیرازنامه، نثری روان و دلنشین و ساده که خواننده از خواندن آن هرگز خسته نمی‌شود.

علل اهمیت و نقاط ضعف شیرازنامه

این اثر برخلاف فارسنامه که مقدرات عمومی، تاریخی و جغرافیایی ایالت فارس را مورد توجه قرار دارد، بیشتر تاریخ شهر شیراز را نگاشته است. در واقع تألیف شیرازنامه، نشانه‌ی روند

شهری شدن تاریخنگاری فارس است. *شیرازنامه* از جمله تاریخنامه‌های محلی است که به فرهنگ نامه‌های محلی بسیار نزدیک است. نگاه مولف، نگاهی در طول تاریخ است. (همان: ۶).

از خصوصیات برجسته کتاب زرکوب توجه خاص به حیطه‌ی غیر سیاسی و نظامی است. با توجه به اینکه اکثریت کتب نگاشته شده در طول تاریخ، حوادث سیاسی و نظامی را به طور ویژه مدنظر داشته‌اند و دیگر حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی را از نظر دور داشته‌اند، از این رو زرکوب که بخش بزرگی از کتابش را به امور اجتماعی و فرهنگی اختصاص داده، برجسته است. البته نباید این امر را فراموش ساخت که متأسفانه زرکوب به این امور بصورت محدود پرداخته است در صورتی که نویسنده می‌توانست اثر خود را در چند جلد فراهم آورده و بیشتر و عمیق‌تر به موضوعات و شخصیت‌های موردنظر خود بپردازد اما متأسفانه تنها اطلاعاتی جزئی و کاملاً مختصر ارائه کرده است.

از دیگر نکات مهم در باب کتاب *شیرازنامه* عدم توجه نویسنده، در پایبندی به ذکر منابع می‌باشد و این امر از اهمیت این اثر کاسته است.

زرکوب به مسئله اقطاع داری در عصر دیالمه توجه نشان داده و آن را نکوهش و موجب ویرانی زمین‌ها می‌داند؛ در جای دیگر که از ورود حکمرانان مغول به شیراز سخن می‌گوید، از تأثیر آنها در برقراری نظم و ایجاد آرامش و نیز رفع ظلم و ستم و بهتر شدن اوضاع مردم اشاره می‌کند. این امر حاکی از توجه نویسنده به مسائل اجتماعی است؛ و این امر از نقاط قوت کتاب می‌باشد.

از آنجا که زرکوب کتاب *شیرازنامه* را به جهت معرفی شهر و دیارش نگاشته، و دستوری از پادشاه و حاکم زمان جهت نگارش کتاب خود نداشته است، نگاه حکومتی، فرمایشی و دستوری بر کتاب غالب نیست؛ بلکه هر جا که حاکمی را خوب و دادگر دانسته در باب آن شخص به نیکویی سخن گفته و هر جا که حاکمی زورگو و ستمگر بوده از او به بدی یاد کرده

است بدین ترتیب نگاهی آزاداندیشانه در کتاب دیده می‌شود. وابستگی محدود زرکوب به دربار از نکات برجسته‌ای است که به *شیرازنامه* اهمیتی دو چندان می‌بخشد. زیرا حس اعتماد به مطالب را بیشتر می‌سازد.

توجه نویسنده به تذکره‌نویسی و نگارش زندگی‌نامه بخش اعظمی از بزرگان و علما ساکن در شیراز، برجسته‌ترین قسمت این کتاب می‌باشد. اگرچه هر دو بخش کتاب در جای خود از اهمیت و برجستگی برخوردار است اما بخش دوم *شیرازنامه*، متضمن اوضاع فرهنگی، علمی و اجتماعی می‌باشد و اهمیت بالایی دارد. اثر زرکوب در دوران بعد منشاء و منبعی برای دیگر آثار گردیده است از جمله کتاب *هزار مزار جنید شیرازی*، که در بسیاری از موارد کتاب *شیرازنامه* را منبع اساسی خود قرار می‌دهد. این کتاب از حیث اشمال بر احوال عرفا و بزرگان شیراز تا قرن هشتم قمری اثری بسیار ارزشمند است. در نگارش این اثر از آثار شاخص برجسته‌ای استفاده شده است که برخی از آنها از میان رفته و در دسترس نیستند، از این جهت نیز ارزش و اهمیت کتاب زرکوب دوچندان می‌گردد.

استفاده از نثر مرسل و روان از دیگر نقاط قوت کتاب است. در قرن هفتم و هشتم در ادامه قرون سابق نثر مصنوع رایج بود اما در همین دوران، برخی کتب از جمله *شیرازنامه* به نثر روان نگاشته شده و همین امر توجه و مطالعه آن را راحت‌تر نموده است.

نتیجه‌گیری

کتاب *شیرازنامه* اثر ابن زرکوب از تواریخ مهم در حوزه تاریخی محلی ایالت فارس می‌باشد، که حوادث مربوط به نخستین سالهای ورود اسلام به ایران تا زمان سلطه امیرمبارزالدین بر فارس را در برمی‌گیرد و در بخش دیگر کتاب به زندگی‌نامه و آثار و احوال مشایخ، علما، عرفا و بزرگان فارس پرداخته است.

اگرچه که بخش نخست کتاب شیرازنامه که در بردارنده حوادث و وقایع سیاسی و نظامی از اهمیت بالایی برخوردار است و گاه اطلاعات منحصر بفردی را در باب حکمرانان، لشکرکشی‌ها، والیان و آثار آنها ارائه می‌دهد؛ اما بخش دوم کتاب اهمیتی بیشتری دارد، زیرا در باب مشایخ و بزرگانی که در فارس ساکن بوده‌اند اطلاعاتی ارزنده و منحصر بفرد ارائه می‌دهد. زرکوب در نگارش کتابش از آثار شاخص قبل از خود استفاده کرده که برخی از آنها از میان رفته است از همین رو ارزش این کتاب دوچندان می‌گردد. این کتاب در احوال فرهنگی، علمی و اجتماعی و سیاسی فارس و شیراز اثری بدیع مفید است.

در نهایت باید گفت شیرازنامه که در عداد آثار تاریخ محلی ایالت فارس نگاشته شده است به جهت ارائه اطلاعات مختصر و مفید در باب این ولایت دارای اهمیت است و مهم‌تر از آن بخش دوم کتاب است که در باب علما و شیوخ فارس اطلاعات مهمی دارد. بدین جهت مطالعه و بررسی آن ارزشمند می‌باشد.

منابع و مأخذ

- آژند، یعقوب (۱۳۸۰). *تاریخ و تاریخ نگاری در ایران*. تهران: نشر گستره.
- ابن بلخی (۱۳۶۲). *فارسنامه*. به سعی و اهتمام لیسترنج و نیکلسون. چاپ دوم. تهران: دنیای کتاب.
- ابن زرکوب شیرازی، احمد (۱۳۵۰). *شیرازنامه*. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. جلد ۷. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رکن زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۳۷). *دانشمندان و سخن سرایان فارس*. تهران: ناشر کتابفروشی‌های اسلامیه و خیام.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۶). *تاریخ تاریخ نگاری در اسلام*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس.
- شیرازی، عیسی بن جنید (۱۳۶۴). *تذکره هزار مزار*. به تصحیح و تحشیه نورانی وصال. شیراز: انتشارات کتابخانه احمدی شیراز.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۸۴). *اثرآفرینان: زندگی نامه نام آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا ۱۳۰۰ شمسی)*. تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.

– یارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۷۷). *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*. جلد ۳. تهران: امیرکبیر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی